

.. و با عشق می میرند

پریسا هادیانی کپورچالی

(سیرل)^۱

۱- سیرل در زبان ارمنی به معنای دوست داشتن است.

سرشناسه	هادیانی کپورچالی، پریسا، ۱۳۴۷ -
عنوان	و. با عشق می میرند
مشخصات نشر	رشت : طاعتی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۴۷ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۳۴۶-۹۸-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	فیای مختصر
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
یادداشت	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۶۳۹۵۵



انتشارات طاعتی

رشت، میدان شهرداری، خیابان علم الهدی
شماره ۱ تلفن: ۳۳۲۲۲۶۲۷ - ۳۳۲۴۱۱۶۹

کتابخانه: ۳۳۲۴۱۱۷۱

www.taati.ir

و. با عشق می میرند

پریسا هادیانی کپورچالی

چاپ اول ۱۳۹۴

تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

قیمت ۱۷۰۰۰ تومان

چاپ چنار

طراح جلد سیرل

حروفچینی هنر و اندیشه

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ممنوع است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۴۶-۹۸-۷

بهشت گمشده

شبی ز شمع شبستان خویش پرسیدم
 شراب و شاهد و شب را نمانده شیرینی
 شکوه کوکبه‌ی بامداد کم بینم
 افق شکفته نمی‌گردد و شفق دیگر
 نه چشمک است در اختر نه شور در مهتاب
 به کی می‌کشد آن‌های هو نمی‌شنوم
 چه روی داد به سی‌شست و اطرافش
 دگر نمی‌وزد این دهان شوق انگیز
 چه دوره‌ای است که عاشق در بند بینم
 خدای را که از این شاهان سهرآزوب
 بهشت گمشده‌ی خود دگر نمی‌بیم
 مگر که شاهد من بُرد هر چه شیرینی
 دگر ز عشق و جنون آیتی نمی‌بینم
 وفا به قیمت جان هم نمی‌شود پیدا
 بهار بین که به سر سبزی بهاران نه
 به سبزه‌ها دگر آن نزهت و طراوت نه
 لعاب لطف فرو شسته‌اند از شمشاد
 به چشم من همه‌ی رنگها عوض شده‌اند
 به‌خنده گفت تو خود را ببین که آن همه هست

چه روی داده که لطفی به زندگانی نیست
 شمیم عشق به شب‌بو و شمعدانی نیست
 مگر جمال خداوند جاودانی نیست
 به رنگ‌زنده‌ی شنگرف و زعفرانی نیست
 همه غم است و یکی شوق و شادمانی نیست
 شراب را دگر آن زور و پهلوانی نیست
 که سرزمین دل انگیز آن زمانی نیست
 درخت را هوس رقص و گلفشانی نیست
 دلی که شنگد و شوری زند نهانی نیست
 یکی که دل‌برد از من به دلستانی نیست
 که کوی عشق و محبت بدان نشانی نیست
 که کس دگر به من از شور عشق، ثانی نیست
 عزیز من دگر الفاظ را معانی نیست
 فعان که هیچ تاعی به این گرانی نیست
 خزان بکر که به نیت خزانی نیست
 در آبها دگر آن است روانی نیست
 جلای شوق به گلها را روانی نیست
 صفای آبی و افسون آسمانی نیست
 ولی به چشم تو آن عینک جوانی نیست

شهریار

توضیح: در بیت هفتم شعر شاعر گرانقدر نوشته شده تهران و بهجت آبادش که در
 اینجا به فراخور داستان آورده شده سی‌دشت و اطرافش

فهرست مطالب

۱۱.....	۱
۱۵.....	۲
۱۷.....	۳
۲۱.....	۴
۳۱.....	۵
۳۳.....	۶
۴۱.....	۷
۴۵.....	۸
۴۹.....	۹
۵۵.....	۱۰
۶۳.....	۱۱
۸۱.....	۱۲
۸۵.....	۱۳
۹۳.....	۱۴
۱۰۱.....	۱۵
۱۱۱.....	۱۶
۱۱۷.....	۱۷
۱۲۵.....	۱۸
۱۳۱.....	۱۹
۱۳۵.....	۲۰
۱۴۳.....	۲۱
۱۴۷.....	۲۲
۱۵۱.....	۲۳
۱۵۳.....	۲۴

۱۵۷	۲۵
۱۶۵	۲۶
۱۶۷	۲۷
۱۷۳	۲۸
۱۸۳	۲۹
۱۹۱	۳۰
۱۹۵	۳۱
۲۰۵	۳۲
۲۰۷	۳۳
۲۱۷	۳۴
۲۲۵	۳۵

www.ketab.ir